



عاشق

WWW.Ketab.ir

دویتی‌ها، رباعی‌ها
و غزل‌های «امام رضا(ع)»
سید محمد سادات اخوی

سرشناسه: سادات اخوی، سیدمحمد، ۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور: عاشق شدن آهوها، دوبیتی‌ها، رباعی‌ها و غزل‌های امام رضا (ع)

سیدمحمد، سادات اخوی

مشخصات نشر: مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، ۱۴۰۶

مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.

فروست: مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، ۲۱۴۱

آهوانه‌ها، هشتم.

شابک: ۹-۲۶۴۶-۲-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۹۱۵۳ - ۲۰۳ق.

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

Persian poetry -- 20th century

موضوع: دوبیتی‌های فارسی

Couplets, Persian

شناسه افزوده: شرکت به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

Behnashr Company (Astan Quds Razavi Publications)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ع/الف/۷۸ PIRA

رده‌بندی دیویی: ۸۱۴/۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۷۵۳۰۰



مجموعه آهوانسه‌ها، هشتم

۲۱۴۱

عاشق‌شدن آهوها

سید محمد سادات‌اخوی

مجموعه آهوانسه‌ها، هشتم

عاشق‌شدن آهوها

سید محمد سادات‌اخوی

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

۱۳۹۶

حق چاپ محفوظ است.
به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

قیمت | ۱۸۵،۰۰۰ ریال

دفتر مرکزی | مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد، ص.پ. ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹

تلفن و دورنگار | ۳۷۶۵۲۰۰۸

دفتر تهران | تلفن و دورنگار | ۸۸۹۶۰۴۶۶

نشانی اینترنتی | www.behnashr.com | پست الکترونیکی | publishing@behnashr.com

به جای مقدمه

مجموعه حاضر، دو بخش دارد:

دوبیتی‌ها و رباعی‌ها

غزل‌ها

دوبیتی‌ها - بخش اول، پراکنده‌سرایی‌های سال‌های گوناگون عمر من‌اند، رباعی‌ها، اما در گروه‌اند:

کمی از آن‌ها در دو دهه گذشته بوده شده‌اند

و تعداد فراوانی از آن‌ها که در حوال زائران گوناگون را روایت خواهند کرد، سروده‌هایی منتشر شده در روزنامه قدس‌اند.

در میان آثار ادبی ارزشمندی که در این کتاب به حضرت علی بن موسی‌الرضا^(ع) منتشر شده‌اند، این مجموعه، ناچیز است.

آن را به خاطر «شعربودن» نخوانید فقط «عرض ادب»ی به مولا امام‌رضا^(ع) است؛ به خاطر همه زیارت‌ها و عنایت‌هایی که به ما کرده‌اند.

از برادرم ایمان شمسایی (سر دبیر وقت «روزنامه قدس» مدیر کنونی مؤسسه قدس) سپاسگزارم که بهانه سرودن رباعی‌های زائران شد.

از برادر سال‌های دورم، سیداحمد میرزاده سپاسگزارم که پیگیر تقدیم این مجموعه شد.

از همکار بزرگوارشان آقای باقری جیلوی سپاسگزارم که پیوسته مرا دعوت کردند تا همت حقیر تقویت (!) و اثر تقدیم شود.

از شما هم که این کتاب را می‌خوانید، سپاسگزارم.

به دعای شما نیازمندم و امیدوارم مولایم حضرت علی بن موسی‌الرضا^(ع)، تلاش این مجموعه و کتاب حاضر را بپذیرند.

خاک قدم زائران

سیدمحمد سادات اخوی

مهرماه ۱۳۹۵

فهرست مفصل

کیبوترجان / ۲۷

کیبوترجان! دلم، لبریز غم شد / ۲۷

کیبوترجان! وفاداری و «مرد»ی / ۲۷

کیبوترجان! اگر داری فراغی /... / ۲۷

دلم را «بام» و «سردر» می شناسد / ۲۸

کیبوترجان! دلی «ناشاد» دارم / ۲۸

و تو جان! زمان، داری و من، هیچ /! / ۲۸

کیبوترجان! شده حال دل من / ۲۹

کیبوترجان! خبر داری (که امشب) / ۲۹

پیر آسم شود پیراهن تو! / ۲۹

کیبوترجان! سفیر املی اش /! / ۳۰

کیبوترجان! به «سختی» کشاد /... / ۳۰

کیبوترجان! که هستی مهمان /... / ۳۰

کیبوترجان! دلم شد مثل شیشه / ۳۱

روز / ۳۲

ای کاش که عاشقی پریشان باشم!

زائر / ۳۲

خورشید لب بام سحر، «زائر تو» ست

جان من / ۳۲

یک عمر «دل شکسته» شد مهمانت

دژه / ۳۲

گنجشکِ اسیر رنج و غم را در یاب!

خدا م / ۳۳

او منتظر کلام و پیغام تو بود



سوانگشت/۳۳

ای توشه رازهای من بر پشتت!

برگردد/۳۵

وقتی دل تنگم - از حرم - برگردد ...

همه/۳۵

در آینه «زویه» تان، پیدایم

این م... /۳۶

از شهر گل و شهد و عسل آمده است

مُردد/۳۶

این کودک باهوش مستمان

گندم/۳۶

پیغام ارادتی (ز مردم) دارد

آن زن /۳۶

این صحن و رواق، خانه باور اوست

صاحب/۳۷

آن دخترکی که - غصه - آبش کرده ...

تنها تو/۳۷

باید که به دست «لطف» خود، بسپاری

شادمان/۳۷

مانند کبوتریم و بر بام توایم

حضور/۳۹

آن مرد جوان، مغازه‌ای می‌خواهد

سه باره!/۳۹

شرمنده شده - دوباره - از روی حرم

دوست/۴۰

لبخند زده به خادمان، دل مُرده!

رنج/۴۰

هرچند که ساکت است و کم می‌خندد ...

دانا/۴۰

پیراست، ولی کمال علمی دارد

گم/۴۰

درگیر شکستن و تلاطم نشود

حروم/۴۰

ارکوی تورفتم و مکرر نروم

بشتاب/۴۱

روزی که زمار: جزدرد و دیر شوم

ایوان/۴۲

پیش تو اگر به ص «آری» برسم

نامه/۴۲

ای وای! (اگر که «انتخاب» نکند)

علی^(ع) وار/۴۳

ای کاش اسیر پیچ و تابم نکنند

مُرده/۴۴

«مُرده» ست! بلی امید دارد برسی

انعکاس/۴۴

جانان منی و مرد در تبعیدی

امید/۴۴

بیرون حرم، فرصت پرواز نبود

گذشت/۴۵

اوقات شریف ما به تکرار گذشت

عید/۴۵

با طعم خوش نوید، همراهم کن!



طراوت/ ۴۵

با حال شکسته‌ام، زیارت، «عید» است

عیدم/ ۴۶

خوشنودی تو، نجات هر مرد و زن است

مثل هم/ ۴۶

صحن حرم است و حوض و ماهی «عید» است

خیر/ ۴۸

در شوق اجابت دعا، خیری هست

گرد/ ۴۹

پروانه شدم میان گل‌ها، حرم

دل من/ ۴۹

دلخسته روزگار، یعنی: دل من!

همیشه/ ۴۹

هر بار اسیر خط پایان شده‌ام

راه/ ۴۹

اینجاست که فرصتی به گمراه دهند

هرگز/ ۵۰

مثل تو - کسی - امید انسان نشود

امیدوار/ ۵۰

با حسرت «حاجت محال» ی برود

دعا/ ۵۰

با مهر همیشه‌ات، دعایی فرما!

صلوات/ ۵۱

من مانده‌ام و خدا و ذکر «صلوات»

صلوات/ ۵۲

بر صحن و رواق پُرفیاضت صلوات!

شادباش / ۵۲

هنگام نوید، می فرستم صلوات

راندن / ۵۳

راضی شده ام به نوبت بیش و کم!

موج / ۵۳

دریای مرا «ساحل آسانی» نیست

امان / ۵۴

با مهر تو، روزگار انسان آمن است

میزیان / ۵۴

ما چه به بر دار و دنیای کسی؟!

عمر / ۵۵

(با سفره «لط»، تن)، نه بگیر شدیم

دوم / ۵۵

تا شوق تو کرده - باز - بی تاب

شوقت / ۵۵

«باران»، به تسلی دلم، تن ندهد!

نجات / ۵۵

سرشارِ نیاز، باطن و ظاهر ماست

همسایه / ۵۶

ایوان طلا، شاهد زخمِ پر ماست

واسطه / ۵۶

در پای ضریحت از «خدا» می خواهم

انتظار / ۵۷

تا «زائر» و گرم شوق تکرار توام

پروانه / ۵۷

اوضاع دلم - دوباره - ناجور شده



ایثار/ ۵۸

ای چشم! در انتظار آغاز توام!

بوگ/ ۵۸

تا بغض سلام، کار «ایجاز» کند

نامه/ ۵۸

با قلب سید، - نامه - تقدیم «تو» شد

گفتنت/ ۵۸

هر چند «ررار» را فراموش کنیم

سلامی از دور/ ۵۹

ای دوست! دلِ شسته‌ام را بگیر!

افسوس/ ۵۹

سرمایه عمر رفته را باخته‌ایم

قبول/ ۶۰

درگاه تو، خانه امان «همه» شد

صبح/ ۶۰

دور از حرم تو در دلم، شادی نیست

جای من/ ۶۰

قربان تو و لطف نهران تو شوم

همه/ ۶۰

ای ماه! نظاره‌ات، «جواب» همه است!

نوبت/ ۶۱

ای کاش مقیم بارگاهی بشوم

تصویر/ ۶۲

«توفان نشسته» ام که در آینه است

دیدن/ ۶۲

سررشته «مهر بی‌کران» م دادند

بنویس! / ۶۳

همدردی اشک و آه را هم بنویس!

انتخاب / ۶۳

با آنکه دلم شکسته رنج و غم است

تو... به / ۶۴

هرچند زبان بغض من، گویا نیست

توس / ۶۴

سرشار شد از سلام پیغمبر (ص)... توس!

یا / ۶۴

در روز مَقَرَّم، را دارم و بس!

باز / ۶۴

در اوج گناه، راتنه، راتنه نش

رمضان / ۶۵

بی تابم و شوق «آرزو» نیست مرا

افطار / ۶۵

در حسرت بخشش خدا گریه کنیم

عید رؤوف / ۶۶

ای صاحب جشن عید، «مولایی» کن!

صلح / ۶۶

ای کاش که با دعای تو صلح کنم

خانه / ۶۷

پایان شب سیاه ما، «خانه تو» ست

دست / ۶۷

ماه رمضان، کنار جانان باشم

دلم / ۶۷

با بار گناه آمدم، کاری کن!



مازنامه/ ۶۷

پنهان غبار «های و هو» یم نکنی

بمهر/ ۶۸

عریان گناهم، «آه»، تن پوش من است

گلزار/ ۶۸

یوان که سؤا «ربنا» های من است

کویر/ ۶۹

در سینه‌ام آرزوی پنهان دام

بشناسی/ ۶۹

کی بوده نگاه «آشنا»، نسیمی؟

بیخس/ ۷۰

از مردم روسیاه، بدنام ترم

صبح صحن/ ۷۱

در دعوت من، نشان «دلشادی» توست

انبوه گره/ ۷۱

تا پنجره‌های آرزو باز شود

غم و شادی/ ۷۱

تا شوق دل شکسته را بال و پری ست

گم/ ۷۱

ای کاش نسیم مشهد و قم بشوم

اشک/ ۷۲

با اسم تو و نشانی‌ات گریه کنم

فهمیده‌ها/ ۷۲

معنای گل و نور و صدا می فهمند

اصرار/ ۷۲

مولایی و باور مرا می دانی

مرد/۷۳

ای آنکه - نگفته - درد را می فهمی!

نداری/۷۳

ای کاش که در زمانه، خواریم نکنند

قفل/۷۳

مولا... مددی! (که «ناامید» م نکنند)

احیا/۷۳

احیا نشدم (که وقت «پرواز» شود)!

ماه/۷۳

هر درد ستاره های بی مهتابم

بخت زیاده/۷۳

انگار که بخست عمر من بر شده ست

آتشین/۷۵

از زمزمه های توبه، مایوس شدم

پدرم گفت/۷۵

می گفت پدر: «به خویش مغرور نشو»

مادر/۷۶

«او» بوده که شوق «آستان» م داده

بیم/۷۷

زائر شده ام که «رازدار» م باشی

به سویت/۷۷

زائر شده ام که انتخابم باشی

از پایان/۷۷

بغضم، که میان صحن تو، باز شدم

ما غریبان/۷۸

هر چند دلم - مدام - دریای غم است



یک جرعه/۷۸

سهم همه را نوشته فیضِ قلمت

بارانی/۷۹

غمگینم و شهر من - مرا - قبر شده

دعای بوته‌ها/۷۹

در باغ حرم، بیه بلبل شده‌ایم

پنجره بر دلد/۷۹

تقویم تو بوستان «ایام شادمانست

شادشدن/۸۲

وقتی که عنایت به دشمن بود

رازها/۸۲

قربان نیازهای «صبح حرم» ت

دیوینگی/۸۲

با «مهر تو» - از خدا - تمنا کردم

مانند دلت/۸۲

مُرده‌ست دلم، دل مرا احیا کن!

اصالت/۸۳

مهر تو به جان خسته ارزانی شد

گره‌گشا/۸۳

زُوار تو - وقت «رَبَّنَا!». چشمه شوند

کی ام؟/۸۳

تا در دل من (به «دوست»)، ایمان قوی‌ست

آشهاد/۸۳

وقتی در باغ «آخرت» باز شود

امیدواران/۸۴

ای کاش که در «گفت و شنید» ت بروم

بالا تر/ ۸۵

جز شوق «سلام»، عادتی نیست مرا...

گود/ ۸۵

مثل تو - کسی - «لطف نهانی» نکند

گنگیم/ ۸۵

ما، گم شده ایم و - بی نشانی - چه کنیم؟!

رام و آرام/ ۸۵

قربان تو و همّتِ «سلمانی» تو!

نام/ ۸۶

در دلبه «آینه» خمش نام شدم

راه/ ۸۶

مهمانی تو، شورِ پیغامِ جششد

مهر کودکی/ ۸۶

«مهر» نظر تو - بردلم - حکایتِ آینه اسد

نیمه شب/ ۸۶

گفتند که: «نیمه شب، بهارِ حرم است

زائر عاشق/ ۸۷

«کاسب» شده بود و کسب او، «دشت» نداشت...

حال خوش/ ۸۸

با اینکه به «آن گروه» پیوست، نرفت!

از دیدار «دیگر»/ ۸۸

در خاک دلش، گندم «آن خواسته» کاشت

مدافع حرم/ ۸۸

دریا شد و دریای حرم، «ساحل» دید!

آهوی کوچک/ ۸۸

ای کاش خدا، صبر به آهو بدهد!



پدري / ۸۹

یک لحظه، خیالت از دلش دور نشد

کم حافظه! / ۸۹

از راه، نرنجیده و یادش رفته

ناخلف / ۹۰

سوزانده دا مادر و شب پدرش

کودک من / ۹۰

در گرمی «تب» بود و مندمی ازبید

خاک مادر / ۹۰

در خاک نشست و کاش یادش نکند

فینه / ۹۱

آن گوشه - کنار صحن - مشکي پرس ارباب

خط پایان / ۹۱

با زهد خودش به مرز ایمان «نرسید»

فروشنده / ۹۱

ده سال شده که با خودش در جنگ است!

شاعر / ۹۲

در یک شب سخت، پشت عمرش که شکست

بازاری / ۹۳

خاموش شده که دست یازی نکند

بازیگر / ۹۳

«او» آمده تا جدا از مردم نشود

خواستگار / ۹۳

هر چند گذشت و «مجلس سور»، نشد

عارف حق امام / ۹۳

با حفظ «سکوت»، آنچه می خواست، نگفت

ماعر! / ۹۴

سرگرم شد و قول و غزل مانع شد

صعب العلاج / ۹۴

شوق حرم تو در دلش گل کرده

پا به راه / ۹۴

تصمیم گرفته «کارسازی» نکند

د امانده / ۹۴

غمگین شده و - به زور - قانع شده است

مست! / ۱۵

آرامش و تصمیم برنا خواسته‌ای

مقروض / ۹۵

فهمیده کجاست حیرت‌آگاه است

خندان / ۹۵

پاییز شده بهارش و می خند

آینه کار حرم / ۹۵

هرچند که پیرمرد بی کار شده

بانی هیئت / ۹۶

تا خادم «آشنا و غیر» ش نکنند

زائر نابینا / ۹۶

در خانه چشم «بسته» اش، گم شده است

کارمند / ۹۷

احوال دل «غریب»، ناجور شده

ناشنوا / ۹۷

آمد که گذشته را فراموش کند

نوازنده / ۹۸

در خلوت خانه - نغمه اش - پوک شود



پیرانه/۹۸

تا صحن نیامده که «مَن - مَن» بکند!

«لکنّت زبان» ی/۹۸

ای کاش که لایق دعایت «ب ... شوم»

شب آخری/ها/۹۹

دیده‌ست تو را (به پشم سر، نه! با «دل»!)

حاج محمد توام شکوهی (نقاره‌زن)/۹۹

بر بام «نقاره‌خانه» ات نشسته‌ای، آن است

شکارچی/۹۹

تا خاک نشین «دشت سینو» تو شد

مرد پاییزی/۱۰۰

با خاک و درخت، هم‌زبانی کرده

شیرین/۱۰۰

در «عید» رسید و باز هم ناشاد است

قهرمان/۱۰۰

او جاه و «جلال» تازه راه‌دیده کند!

بَنا/۱۰۰

در سایه خسته خودش پنهان است

نسخه شفا/۱۰۱

هرچند که کار نسخه‌اش درمان است

پاطلایی!/۱۰۲

آمد که فراز موج غم، پل بزند

وکیل/۱۰۲

یک جمله او بنا کند بنیادی

بافنده/۱۰۲

«نقش» حرم است و شوقم ابراز کند

خیاط / ۱۰۳

از «پارچه» هازد و شده دشمن دل

بلند پرواز / ۱۰۳

با «پول کلان قرضی»، آدم شده بود!

فیض خُدام / ۱۰۴

جاروکش آستان فردوس شدند

خُدام لاله‌ها / ۱۰۴

از عرش حرم، اجابتی حاصل ماست

خُدام حرم / ۱۰۴

«خُدام» که در حرم - نشانت شده‌اند

شأن خُدام / ۱۰۴

فژاش غبارراه، شده‌اند

لباس خُدام / ۱۰۵

عریان شده دل که «پیرهن» های کنند

روز خُدام / ۱۰۵

«خُدام» که روز تازه آغاز کنند

بی‌کس / ۱۰۶

او مانده ... شب و دل و خدا ... «عکس» حرم

شوق جوار / ۱۰۶

نگذار که زیر پای غم، دفن شوم



غزل‌ها

قابل/ ۱۰۸

دل، نشسته تماشا کند مقابل را

گرفته موج نگاه تو، ساحل دل را

مُرتد/ ۱۰۹

با تو حرم خرب و بی تو، حال و احوالم بد است

بی تو حالِ ناخوشم سر نبودت - مُمتد است

منحنی/ ۱۱۰

فدای گنبدتان، آه منحنی بدام

من و سکوت شبانگاه صحن‌ها - حرم

کنارها/ ۱۱۲

آنسو کنار سیمِ دگلها و سارها

رد می‌شود قطارِ شتابِ چنارها

ساده/ ۱۱۴

ای عزیز خدا، امام رضا^(ع)!

التماس دعا، امام رضا^(ع)!

یادگاری/ ۱۱۶

خسته‌ای، تلخی و از خلق زمانه، بی‌قراری

مثل «اسفند» صبوری، چشم‌برراه بهاری

همین‌جا/ ۱۱۹

دل‌م گرفته ازین روزگار، آقا جان!

گرفته «بی‌کسی» از من قرار، آقا جان!

«آن»ی‌ها/ ۱۲۰

گم شدم در خیمِ گیسوی پیریشانی‌ها

«حافظ»ی نیست که شرحی دهد از «آن»ی‌ها

کودکانه/۱۲۱

کجاست اذن تو؟! تا از زمانه برگردم!
دوباره (تا «حرم» ت) - عاشقانه - برگردم

تعبیر/۱۲۲

رود «تنهایی» ام، شتاب گرفت
خانه را موجِ جسّ ناب گرفت

توس/۱۲۴

ما که شرمنده و - از بخشش خود - مایوسیم
فطره و ریزه خور سفره اقیانوسیم

تعبیر/۱۲۵

عسل می بنفش از ته - ای گل! - به کندو
تو، «آن سو» من و رنج دم هم «این سو»

خطاب/۱۲۶

این بار با منی و حضور تو خود، نیست
محسوس چشم و گوش و است، سراب نیست

باغ/۱۲۸

گاهی که از کنار خودم دور می شوم
با اختیار میل تو، مجبور می شوم

رسیدن/۱۳۰

از مرزهای خواب سیاهی رسیده ام
یک عمر را دویده و «گاهی» رسیده ام

روضه رضوی/۱۳۱

غم آمد و دوباره دلم از زمان گرفت
دلتنگ دیگران شد و از «دیگران» گرفت

تو... هم/۱۳۲

بوی گلابِ نابِ دهم یا که عنبر است؟!
اسم «تو» برده ام که دهانم مُعطر است

بوی گلاب

نقاره/۱۳۳

کاش می‌شد که دل از ثانیه‌ها برداریم
سربه آغوش «تماشا»ی زمان بگذاریم

دل انگیز/۱۳۵

تا کوی دوست - راه - کم است و مُرَدَدَم
در، باز بود و پام نرفت و نیامدم!

آسمان تهر/۱۳۶

حال هیشه - تکرار می‌شود
دل‌گندن ر حرم دشوار م، شود

به جا/۱۳۷

مرا رها ز «من» و اهل بیرو جان صد!
مرا (که مثل شما «نیستم») حلاز کنید!

تأخیر پرواز/۱۳۹

به یاد روی «تو» بودم، برای هر که سر م
نگاه من به «تو» بوده، به هر که چشم گشودم

یاسین/۱۴۰

با یک نَفَس، بیرون کن از تن، روح دودآلود را!
ای معنی «یاسین»، بیا! نابود فرما «بود» را

غمگینم/۱۴۱

تواز حالم خبرداری و می‌دانی که غمگینم
مقابل: راه تاریک است و صبحی رانمی‌بینم

آغاز ناز/۱۴۲

به یادت آمدم یا باز ناز آغاز فرمودی؟!
به قربانت، اگر یادی، اگر که ناز فرمودی!

زیبایی/۱۴۳

سرِ خضوع بر این درگذاشتن، زیباست
به آستان رضا^(ع)، سرگذاشتن، زیباست